

سطح آگاهی و نوع نگرش کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس‌های زایمان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران در زمینه اهدای خون بند ناف

مهدیه کیانی^۱، فاطمه رحیمی کیان^۲، مصطفی رضایی فریمانی^۳، عباس مهران^۴، اعظم حمیدزاده^۱

چکیده

سابقه و هدف

خون بند ناف در درمان بیماری‌های مختلف از جمله انواع سرطان‌ها حایز اهمیت می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی سطح آگاهی و نوع نگرش کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس‌های زایمان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران در زمینه اهدای خون بند ناف در سال ۱۳۹۰ بود.

مواد و روش‌ها

در یک مطالعه توصیفی مقطعی، پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر سه بخش اصلی خصوصیات فردی و شغلی (۱۱ سؤال)، آگاهی (۱۳ سؤال) و نگرش (۲۵ سؤال) توسط ۱۴۹ نفر از کادر مامایی - پرستاری تکمیل شد. امتیاز بخش آگاهی به ۳ گروه آگاهی ضعیف (کمتر از ۸)، متوسط (۸-۱۵) و خوب (بالتر از ۱۶) و امتیاز بخش نگرش به ۳ قسمت نگرش منفی (کمتر از ۲۵)، بی تفاوت یا خنثی (۲۶ تا ۵۰) و مثبت (بالتر از ۵۱) طبقه‌بندی گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS۱۶ و از طریق آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن)، انجام شد.

یافته‌ها

حدود نیمی از افراد از سطح آگاهی متوسط (۴۵/۹٪) و اکثریت آن‌ها (۸۷/۹٪) از نگرش مثبتی برخوردار بودند. میانگین و انحراف معیار نمره آگاهی و نگرش، به ترتیب، $5/49 \pm 12/36$ و $18/29 \pm 74/23$ به دست آمد. بین دو متغیر آگاهی و نگرش، ارتباط آماری معنادار وجود نداشت.

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی آموزشی و اطلاع‌رسانی درباره اهدای خون بند ناف، جهت ارتقاء سطح آگاهی، ضروری می‌باشد.

کلمات کلیدی: آگاهی، خون بند ناف، نگرش، مامایی، پرستاری

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۲

- ۱- کارشناس ارشد مامایی - عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - شاهرود - ایران
- ۲- مؤلف مسئول: کارشناس ارشد مامایی - عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران - تهران - ایران - صندوق پستی: ۶۴۵۹
- ۳- کارشناس ارشد پرستاری - مربی آموزشی - گروه پرستاری داخلی - جراحی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران - تهران - ایران
- ۴- کارشناس ارشد آمار زیستی - دانشگاه علوم پزشکی تهران - تهران - ایران

مقدمه

امروزه شیوع بسیار زیاد بیماری‌های مزمن، هم چون دیابت، بیماری‌های قلبی - عروقی و عصبی، چالشی در جهت یافتن درمان‌های مؤثرتر ایجاد نموده است (۱). یکی از روش‌های درمانی پیشرفته و جدید، پیوند اعضا و نسج است (۲). پیوند مغز استخوان و سلول‌های بنیادی، درمانی نجات‌بخش در برخی از بیماری‌های بدخیم و غیر بدخیم از جمله انواع سرطان‌ها می‌باشد (۳). بازسازی مغز استخوان در برخی از بیماری‌های خونی، ایمنی و متابولیک، بهترین راه درمانی بوده است و برای دستیابی به این هدف، پیوند مغز استخوان، معمول‌ترین منبع سلول‌های بنیادی پیش‌ساز می‌باشد. اما لازمه موفقیت در این پیوند، مطابقت زیاد HLA (Human Leukocyte Antigen) فرد دهنده و گیرنده می‌باشد؛ لذا بسیاری از بیماران از یافتن دهنده کاملاً همسان، ناتوان هستند. تحقیقات صورت گرفته بر روی خون بند ناف حاکی از آن است که این منبع، حاوی سلول‌های بنیادی است که قابلیت تکثیر جهت پیوند موفق در میان افرادی که از نظر HLA نسبتاً همسان می‌باشند را دارا است. سلول‌های بنیادی خون بند ناف می‌توانند به بافت‌های مختلف بدن تبدیل شوند (۴). از مزایای دیگر استفاده از خون بند ناف، می‌توان به جمع‌آوری نمونه بدون ایجاد خطر برای دهنندگان، دسترسی سریع به خون بند ناف فریز شده و کاهش احتمال رد پیوند به دلیل ایمنی‌زایی کمتر سلول‌های بنیادی موجود در خون بند ناف اشاره نمود (۵). در کشور ما، سه بانک عمومی خون بند ناف در پژوهشگاه رویان، سازمان انتقال خون و مرکز پیوند مغز استخوان بیمارستان شریعتی و یک بانک خصوصی بند ناف در شرکت بن یاخته‌های رویان مشغول به فعالیت هستند (۶).

بانک خون بند ناف خصوصی در بسیاری از کشورهای جهان به دلایلی هم چون هزینه بالای جمع‌آوری، استخراج و نگهداری خون بند ناف و احتمال کم نیاز نوزاد به آن در آینده، مورد تایید نمی‌باشد. در بانک خون بند ناف عمومی، به خانواده نوزاد این اطمینان داده می‌شود که در صورت نیاز به پیوند خون بند ناف، در صورت امکان خون بند ناف همسان به آن‌ها تعلق خواهد گرفت، نکته حایز اهمیت آن

است که این نوع اهدا، می‌تواند امید تازه‌ای جهت درمان بیمارانی که فاقد دهنده یکسان از نظر HLA، برای پیوند مغز استخوان می‌باشند، ایجاد نماید و هم چنین جهت هزینه‌های مربوط از والدین نوزاد مبلغی دریافت نمی‌شود (۵). علی‌رغم مزایای ذکر شده، استفاده از خون بند ناف محدودیت‌هایی نیز دارد که می‌توان به مواردی هم چون، محدودیت استفاده از آن جهت بالغین به علت محدود بودن حجم خون بند ناف و تعداد سلول‌های به دست آمده از آن، هم چنین، وجود بیماری ژنتیکی نهفته در خانواده و امکان انتقال به فرد گیرنده و نیز آغستگی با خون مادر هنگام خونگیری، اشاره نمود (۷).

بر اساس تحقیقات انجام شده، ایجاد و توسعه بانک‌های خون بند ناف از عوامل توسعه دهنده کاربرد سلول‌های بنیادی است (۹، ۸). سالواترا و همکارانش معتقدند، عوامل اجتماعی و رفتاری بسیاری بر اهدای خون بند ناف تأثیرگذار است، اما اصلی‌ترین عامل مؤثر بر آن، انگیزه اهدای خون بند ناف از طرف زنان باردار است که میزان آگاهی آن‌ها در این زمینه، از عوامل مؤثر در انگیزه می‌باشد (۱۰). افرادی که فراهم‌کننده مراقبت‌های مامایی برای زنان باردار می‌باشند؛ نقش محوری در افزایش میزان آگاهی زنان باردار در این زمینه، دارند (۱۱). کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس زایمان، به دلیل ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با زنان در مراحل مختلف بارداری و زایمان، می‌توانند در امر تشویق به اهدای خون بند ناف توسط آنان و حتی سایر افراد خانواده و جامعه مؤثر باشند؛ لذا یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر اهدای خون بند ناف در این بانک‌ها، می‌تواند سطح آگاهی و نوع نگرش کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس زایمان باشد. یکی از ملزومات ارائه این گونه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی، داشتن اطلاعات کافی و نگرش مثبت و مطلوب آنان در زمینه اهدای خون بند ناف است. با توجه به اهمیت خون بند ناف در درمان بیماری‌های مختلف و شیوع بالای بدخیمی‌های خونی و تالاسمی در ایران امید است که در آینده‌ای نزدیک، سلول‌های بنیادی بند ناف بتواند جایگزین دیگر منابع سلول‌های بنیادی در درمان بیماری‌ها گردد (۵).

پژوهش حاضر، با هدف بررسی سطح آگاهی و نوع نگرش کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس‌های زایمان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران در زمینه اهدای خون بند ناف، انجام شده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش انجام شده یک مطالعه مقطعی بود که بر روی ۲۱۴ نفر از کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس‌های زایمان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران و مراکز بهداشتی درمانی منتخب در سال ۱۳۹۰ انجام شد. با توجه به بررسی‌های مقدماتی و نظر به خصوصیات واحدهای پژوهش و نیز کم بودن تعداد آنان، نمونه‌گیری به روش سرشماری انجام شد. واحدهای مورد پژوهش، حداقل ۶ ماه سابقه کار در سیستم بهداشتی - درمانی را دارا بودند و هم چنین قبلاً در تحقیقی با این عنوان شرکت نکرده بودند.

در این پژوهش، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر سه بخش اصلی خصوصیات فردی و شغلی (۱۱ سؤال)، آگاهی (۱۳ سؤال) و نگرش (۲۵ سؤال) بود. در ارتباط با سؤالات مربوط به بخش آگاهی، در مورد برخی از سؤالات، به گزینه‌های بلی و صحیح امتیازات ۱، ۲ و ۳ داده شد و در مورد مابقی سؤالات، به گزینه‌های خیر، نمی‌دانم و اطلاعی ندارم، امتیاز صفر، گزینه اطلاعات کم، امتیاز ۱، گزینه اطلاعات متوسط، امتیاز ۲ و گزینه اطلاعات زیاد، امتیاز ۳ و به گزینه اطلاعات بسیار خوب نیز امتیاز ۴ تعلق گرفت. امتیاز بخش آگاهی به ۳ گروه آگاهی ضعیف (کمتر از ۸)، آگاهی متوسط (۸-۱۵) و سطح آگاهی خوب (بالتر از ۱۶) تقسیم‌بندی گردید.

سؤالات مربوط به بخش نگرش، بر اساس مقیاس ۵ تایی لیکرت از کاملاً مخالف (امتیاز صفر) تا کاملاً موافق (امتیاز ۴) نمره‌بندی شد و امتیاز آن به ۳ قسمت نگرش منفی (کمتر از ۲۵)، نگرش بی تفاوت یا خنثی (۲۶ تا ۵۰) و نگرش مثبت (بالتر از ۵۱) طبقه‌بندی شد.

جهت روایی محتوایی پرسشنامه، پس از مطالعه جدیدترین کتب و مقالات علمی موجود در این زمینه و نیز با بهره‌گیری از نظرات اساتید صاحب نظر، محتوای اولیه

آن، طراحی و تنظیم شد و سپس سؤالات تهیه شده در اختیار ۱۲ تن از اعضای محترم هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران قرار گرفت، اصلاحات لازم در آن اعمال گردید و نواقص برطرف شد. پایایی آن نیز از طریق انجام آزمون مجدد، مورد بررسی قرار گرفت؛ ضریب همبستگی محاسبه شده ۰/۷۸ بود که بیانگر پایایی لازم پرسشنامه بود. همسانی درونی ابزار از طریق آلفای کرونباخ، برای سؤالات بخش آگاهی، ۰/۸۰/۲ و برای سؤالات بخش نگرش، ۰/۹۸ به دست آمد. پرسشنامه مذکور پس و از اخذ رضایت‌نامه آگاهانه از نمونه‌های پژوهش ارائه خلاصه‌ای از روش کار و اهداف پژوهش، جهت تکمیل در اختیار واحدهای پژوهش قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ و از طریق آمار توصیفی (به منظور ارائه توزیع فراوانی متغیرها، درصد، میانگین، انحراف معیار و سایر آماره‌ها) و استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن)، مورد تجزیه و تحلیل، قرار گرفتند؛ سطح معناداری در تمام آزمون‌های آماری، ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

از مجموع ۲۱۴ پرسنل واجد شرایط، ۱۴۹ نفر، پرسشنامه‌ها را به طور کامل تکمیل نمودند و مورد مطالعه قرار گرفتند. میانگین سنی واحدهای مورد پژوهش ۳۳/۹ سال با انحراف معیار ۸/۳۳ بود و اکثریت آنان (۶۳/۷٪) متأهل بوده و ۱-۲ بارداری را در طول زندگی تجربه نموده بودند. ۸۶/۷٪ افراد شرکت‌کننده، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند و اکثریت آن‌ها (۸۵/۲٪)، در بیمارستان‌ها به ویژه اورژانس زایمان مشغول به کار بودند. رشته تحصیلی ۸۳/۸٪ آنان، مامایی بوده و اکثریت (۴۵٪)، سابقه کار زیر ۵ سال داشتند.

در خصوص امتیاز آگاهی، کمترین نمره ۴ و بیشترین نمره ۲۳ و میانگین امتیاز آگاهی ۱۲/۳۶ با انحراف معیار ۵/۴۹ به دست آمد (جدول ۱). جدول ۱ نشان می‌دهد که حدود نیمی از افراد مورد مطالعه (۴۵/۹٪)، آگاهی متوسطی در زمینه اهدای خون بند ناف داشته‌اند. در ارتباط با امتیاز نگرش، کمترین نمره ۴۱ و بیشترین نمره ۹۴ بود و میانگین

امتیاز نگرش در بین افراد تحت مطالعه، $74/23$ با انحراف معیار $18/29$ به دست آمد (جدول ۲).

بر اساس جدول ۲، اکثریت واحدهای مورد پژوهش ($87/9\%$)، نگرش مثبتی در زمینه اهدای خون بند ناف داشته‌اند.

به منظور بررسی ارتباط بین سطح آگاهی و نوع نگرش واحدهای پژوهش در زمینه اهدای خون بند ناف از محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که با توجه به میزان r ، بین دو متغیر فوق، ارتباط آماری معناداری وجود نداشت (جدول ۳).

بحث

در پژوهش حاضر، حدود نیمی از واحدهای مورد مطالعه از میانگین امتیاز آگاهی در حد متوسط و اکثریت آن‌ها از میانگین امتیاز نگرش در حد مثبت برخوردار بوده‌اند. در این مطالعه، بین میزان آگاهی و نگرش افراد، ارتباط آماری معناداری وجود نداشت. این امر بیانگر این واقعیت است که تنها با بالا بردن سطح آگاهی نمی‌توان منتظر بهبود نگرش و تغییر رفتار بود.

در این ارتباط، دافی و همکارانش معتقدند که توسعه خدمات جمع‌آوری خون بند ناف به عنوان یک خدمت عمومی و همگانی، اقدامی آسان و ایمن بوده و این امر در بیمارستان‌های ارائه دهنده خدمات پس از زایمان، قابل اجرا می‌باشد که لازمه آن تربیت نیروی انسانی مورد نیاز، حمایت مدیران پرستاری و سرمایه‌گذاری لازم در این زمینه می‌باشد (۱۲).

دینک و ساهین در مطالعه خود به نتایج نسبتاً مشابه با پژوهش حاضر دست یافتند. در مطالعه آنان، اکثر زنان باردار، نگرش مثبت و آگاهی کمی در زمینه سلول‌های بنیادی و بانک خون بند ناف دارند؛ هم‌چنین شرکت‌کنندگان در این مطالعه، تأکید داشتند که آموزش مؤثر از طریق رسانه‌ها و کادر مامایی و پرستاری به اتخاذ تصمیم صحیح در زمینه اهدای خون بند ناف در طی دوران بارداری و قبل از زایمان، کمک می‌نماید (۱۳).

در مطالعه دیگری که توسط کدار و همکارانش در انگلستان انجام شده بود؛ آشنایی و اطلاع از سطح آگاهی پرستاران و ماماها در زمینه سلول‌های بنیادی و روش‌های درمانی مرتبط با آن به منظور حفظ و رعایت حقوق بیماران

جدول ۱: توزیع فراوانی میزان آگاهی کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس‌های زایمان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران در زمینه اهدای خون بند ناف در سال ۱۳۹۰

آگاهی طبقه‌بندی شده	تعداد	درصد
ضعیف (۷-۰ امتیاز)	۴۶	۳۰/۵
متوسط (۱۵-۸ امتیاز)	۶۸	۴۵/۹
خوب (۳۲-۱۶ امتیاز)	۳۵	۲۳/۶
جمع	۱۴۹	۱۰۰

جدول ۲: توزیع فراوانی نوع نگرش کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس‌های زایمان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران در زمینه اهدای خون بند ناف در سال ۱۳۹۰

نگرش طبقه‌بندی شده	تعداد	درصد
منفی (۲۵-۰ امتیاز)	۰	۰
بینابینی یا خنثی (۵۰-۲۶ امتیاز)	۱۶	۱۲/۱
مثبت (۱۰۰-۵۱ امتیاز)	۱۳۳	۸۷/۹
جمع	۱۴۹	۱۰۰

جدول ۳: توزیع فراوانی سطح آگاهی بر حسب نوع نگرش کادر مامایی - پرستاری شاغل در درمانگاه‌های پره‌ناتال و اورژانس‌های زایمان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران در زمینه اهدای خون بند ناف در سال ۱۳۹۰

نوع نگرش	بینابینی		مثبت		نتیجه ضریب همبستگی
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
ضعیف	۸	۵۰	۳۸	۲۸/۶	۳۰/۵
متوسط	۸	۵۰	۶۰	۴۵/۱	۴۵/۹
خوب	۰	۰	۳۵	۲۶/۳	۲۳/۶
جمع	۱۶	۱۰۰	۱۳۳	۱۰۰	۱۰۰

و سایر اقشار، اعم از اهداکنندگان، گیرندگان و خانواده‌های آنان ضروری دانسته شد (۱۴).

واکر و همکارانش نیز در سال ۲۰۱۱ در ایالات متحده، مطالعه‌ای با هدف بررسی سطح آگاهی متخصصان زنان و مامایی در پاسخگویی به سؤالات مادران باردار درباره اهدای خون بند ناف، بانک‌های نگهداری و کاربرد سلول‌های بنیادی آن انجام دادند. بر اساس نتایج مطالعه آنان، ۸۸٪ متخصصان از آگاهی کافی نسبت به کاربرد خون‌های اهدا شده بند ناف در پیوند اعضا و نسوج برخوردار بودند؛ با این وجود، پژوهشگران این مطالعه بر آموزش متخصصان زنان و مامایی در پاسخگویی مؤثر به سؤالات مادران باردار، تأکید نمودند (۱۵). در این راستا نتایج مطالعه مذکور با پژوهش حاضر همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد کیفیت مطلوب سیستم آموزشی و درمانی در کشورهای پیشرفته، توجیهی بر چرایی این مغایرت باشد.

فرناندز و همکاران، مطالعه‌ای با عنوان آگاهی و نگرش زنان باردار با تأکید بر جمع‌آوری، آزمایش و ذخیره‌سازی سلول‌های بنیادی خون بند ناف انجام دادند. در مطالعه آنان، ۷۰٪ افراد شرکت‌کننده، اطلاعات کم یا بسیار کمی در ارتباط با اهدای خون بند ناف داشتند. ۶۸٪ آنان معتقد بودند که لازم است پزشکان تا قبل از هفته ۳۰ بارداری در این زمینه، آموزش‌های لازم را به آن‌ها دهند و ۷۵٪ از آن‌ها، تمایل به استفاده از بانک عمومی خون بند ناف داشتند. نتایج مطالعه فوق، از ضرورت آموزش افراد جامعه در این زمینه، حمایت نمود (۱۶). کیم و همکارانش، طی یک مطالعه مقطعی به بررسی آگاهی و نگرش زنانی که بعد از زایمان، خون بند ناف نوزاد خود را اهدا یا ذخیره کرده بودند؛ پرداختند. در مطالعه آنان، ۶۵ نفر از افراد، خون بند ناف را اهدا و ۱۴۷ نفر ذخیره کرده بودند. سطح آگاهی و نگرش افرادی که خون بند ناف نوزاد خود را اهدا کرده بودند نسبت به گروهی که آن را ذخیره کرده بودند، بالاتر بود. بر اساس این مطالعه، از عوامل تاثیرگذار بر اهدا یا ذخیره‌سازی خون بند ناف، نگرش افراد درباره کاربرد خون بند ناف در آینده است (۱۷). به نظر می‌رسد این امر، مستلزم ارتقاء سطح آگاهی و نگرش مادران باردار در این رابطه می‌باشد.

یافته‌های مطالعه کیم و همکارانش، بر خلاف یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد. دلیل این مغایرت به طور محتمل، مرتبط با نقش فعال رسانه‌ها و بالا بودن کیفیت سطح سواد در آن جامعه می‌باشد. نگاهی اجمالی به مطالعه‌های یافت شده، حاکی از بالا بودن نسبی سطح آگاهی افراد جامعه به ویژه مادران باردار و پرسنل بهداشتی - درمانی نسبت به اهدای خون بند ناف در سطح جهان، به ویژه کشورهای پیشرفته نسبت به ایران می‌باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، کمتر از نیمی از افراد، سطح آگاهی متوسطی در زمینه اهدای خون بند ناف داشتند که نشان‌دهنده عدم آرایه آموزش‌های لازم به ایشان بوده است؛ با توجه به این امر و هم چنین نگرش مثبت کادر مامایی - پرستاری شرکت‌کننده در پژوهش حاضر که می‌تواند به علل مختلفی نظیر نگاه مثبت این افراد نسبت به هر گونه اهدا در زمینه علوم پزشکی و مواجهه بیشتر آن‌ها با برهه‌های تبلیغاتی در این زمینه باشد؛ ضرورت تدوین برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی در این زمینه به ویژه در دانشگاه‌ها و مراکز ارائه دهنده مراقبت‌های دوران بارداری، محسوس می‌باشد. پیشنهاد می‌شود مطالعه‌هایی با هدف تعیین تأثیر روش‌های آموزشی بر میزان آگاهی و نگرش افراد در ارتباط با اهدای خون بند ناف انجام شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، حدود نیمی از پرسنل کادر مامایی - پرستاری، آگاهی متوسط و اکثریت آنان، نگرش مثبتی در زمینه اهدای خون بند ناف داشته‌اند لذا تدوین برنامه‌های آموزشی متناسب در این زمینه، جهت ارتقا سطح آگاهی، ضروری به نظر می‌رسد.

تشکر و قدردانی

این مقاله، بخشی از طرح تحقیقاتی مصوب مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران به شماره ۱۳۳۵۳-۹۹-۰۲-۹۰ می‌باشد. نویسندگان، مراتب تشکر و قدردانی خود را از همکاری صمیمانه پرسنل شریف مامایی - پرستاری شرکت‌کننده در این طرح، اعلام می‌دارند.

References :

- 1- Khodadadi L, Baharvand H. Immunogenicity of stem cells. *Cell J* 2006; 8(4): 276-303. [Article in Farsi]
- 2- Andreoli T, Benjamin I, Griggs R, Wing E. Cecil Essentials of Medicine. 7th ed. Saunders: Philadelphia; 2007. p. 539.
- 3- Greer J, Wintrobe M. Wintrobe's Clinical Hematology. 12th ed. Lippincott Williams & Wilkins; 2009. p. 540-1.
- 4- Rei W. Toward a Governance Structure Beyond Informed- Consent: A Critical Analysis of the Popularity of Private Cord Blood Banking in Taiwan. *East Asian Science, Technology and Society* 2010; 4(1): 53-75.
- 5- Jamali M, Omidkhoda A, Gharehbaghian A. The importance of establishment of public cord blood bank in Iran. *Sci J Iran Blood Transfus Organ* 2010; 7(1): 55-61. [Article in Farsi]
- 6- Diseases treated with cord blood; 2015. Available from: <http://rpsiran.ir/forum/showthread.php?tid=3270>.
- 7- Noroozi Aghideh A. Cord blood banking. *Journal of Paramedicine Faculty of Army University of Medical Sciences* 2010; 1(8): 6-12. [Article in Farsi]
- 8- Alimoghadam k, Mahyaddin M, Vatandust S, Goliaei Z, Alijanipour P, Foruzia F. Umbilical cord blood hematopoietic stem cells *in vitro* and clinical use of it. *Cell Journal* 2006; 8(3): 210-8. [Article in Farsi]
- 9- Katz G, Mills A. Cord blood banking in France: reorganising the national network. *Transfus Apher Sci* 2010; 42(3): 307-16.
- 10- Salvaterra E. An analysis of decision making in cord blood donation through a participatory approach. *Transfus Apher Sci* 2010; 42(3): 299-305.
- 11- Katz, G, Mills A, Garcia J, Hooper K, McGuckin C, Platz A, *et al.* Banking cord blood stem cells: attitude and knowledge of- pregnant women in five European countries. *Transfusion* 2011; 51(3): 578-86.
- 12- Duffy T, Querol S, Dennes W, Tarrio M, Mason K, Busby H, *et al.* The Kingscord model: a public cord blood collection service. *Br J Midwifery* 2009; 17(5): 306-11.
- 13- Dinç H, Sahin N. Pregnant women's knowledge and attitudes about stem cells and cord blood banking. *Int Nurs Rev* 2009; 56(2): 250-56.
- 14- Cedar SH. Stem cell and related therapies: nurses and midwives representing all parties. *Nurs Ethics* 2006; 13(3): 292-303.
- 15- Walker T, Steckler D, Spellman S, Haven D, Welte K, Boo M. Awareness and acceptance of public cord blood banking among practicing obstetricians in the United States. *Transfusion* 2011; 52(4):787-93.
- 16- Fernandez C, Gordon K, Hof M, Taweel Sh, Baylis F. Knowledge and attitudes of pregnant women with regard to collection, testing and banking of cord blood stem cells. *CMAJ* 2003; 168(6): 695-8.
- 17- Kim M, Yoo J, Park C, Ahh H. Knowledge and Attitude Regard to Cord Blood of Early Postpartum Women after Donating Cord Blood or Storing Cord Blood, *Korean Journal Women Health Nursing* 2009; 15(1): 13-23.

Original Article

Awareness and Attitude of midwifery-nursing personnel in emergency obstetrics and prenatal clinics affiliated to Tehran University of Medical Sciences towards cord blood donation

Kiani M.¹, Rahimikian F.², Rezaei Farimani M.³, Mehran A.⁴, Hamidzadeh A.¹

¹Faculty Member of School of Nursing and Midwifery, Shahroud University of Medical Sciences, Shahroud, Iran

²Faculty Member of Nursing and Midwifery Care Research Center of Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³Instructor Training, Medical-Surgical Nursing Department of School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁴Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Background and Objectives

Umbilical cord blood for the treatment of various diseases including types of cancer is important. The purpose of this study was to survey the knowledge and attitude of midwifery-nursing personnel in prenatal clinics and emergency obstetric affiliated to Tehran University of Medical Sciences towards cord blood donation in 1390 (Iranian calendar).

Materials and Methods

In this descriptive survey research, A self-made questionnaire consisting of three parts of personal and job characteristics (11 questions), knowledge (13 questions), and attitudes (25 questions) were completed by 149 Midwifery-Nursing personnel. The score of the knowledge part was divided into three groups (less than 8), medium (8-15) and good (above 16) and the score of attitude part was divided into three parts of negative attitude (less than 25), indifferent or neutral (26 to 50) and positive (greater than 51). Data analysis was performed using SPSS statistical software (version 16) and descriptive and inferential statistics (Spearman Correlation Coefficient).

Results

About half of the participants had a medium knowledge (45.9%) and the majority of them (87.9%) had a positive attitude. The mean scores of knowledge and attitude were 12.36 ± 5.49 and 74.23 ± 18.29 , respectively. There was no statistically significant association between knowledge and attitude ($p = 0.084$).

Conclusions

Educational planning and awareness raising about cord blood donation are necessary for knowledge improvement.

Key words: Awareness, Umbilical Cord Blood, Attitude, Midwifery, nursing

Received: 27 May 2015

Accepted: 1 Jun 2016

Correspondence: Rahimikian F., MSc of Midwifery. Nursing and Midwifery Care Research Center of Tehran University of Medical Sciences.

P.O.Box: 6459, Tehran, Iran. Tel: (+9821) 66927171; Fax: (+9821) 66927171

E-mail: F_rahimikian@yahoo.com